



Policies on social situation of women in Iran: Scrutiny of the relevance of policies and laws regarding women with reference approach

Atefeh Khademi¹  | Fatemeh Taghizadeh² 

1. Corresponding Author, PhD Islamic Azad University of Central Tehran, Tehran, Iran. Email: at.khademi@gmail.com

2. Allameh Tabatabai University; Tehran, Iran. Email: f.taghizadeh110@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 28 March , 2023

Received in revised form: 30 April 2023

Accepted: 23 May 2023

Published online: 10 June 2023

Keywords:

Legislation, Policy, Social situation, Thematic analysis, Women

ABSTRACT

This paper intends to consider the policy origin of the social situation of women in Iran after the Islamic Revolution. This study assumes that in the Islamic Republic of Iran the reference approach in all domains is the discourse of twosome leaders of the Islamic Revolution. Therefore, by understanding the thematic components of this reference and study of policies in the field of situation of women, we can find the explainer answers to these two basic questions: What is the reference approach of the Islamic Republic of Iran towards women? And, according to the reference approach, what is the status of policies on women's social situation? Using the method of thematic analysis, the article analyzes three areas: The remarks of leaders of the Islamic Republic of Iran and the approvals of both the Supreme Council for Cultural Revolution and the Parliament. The article then evaluates the approaches of these three areas through describing the situation of women in Iran. Linking through descriptive analysis and thematic analysis, the results proves despite the high potential of reference approach on track to improve the social situation of women in Iran, the double institutions above-mentioned have not used a clear advantage of this capacity. It is why the favorable impact of the reference approach has not been achieved yet. Therefore, we need serious reforms in the field of legislation and policy-making so that the performance of governments can be largely controlled and evaluated.

Cite this article: Khademi, A. & Taghizadeh, F. (2023). Policies on social situation of women in Iran: *Journal of Social Problems of Iran*, 13 (2),129-149.

<https://doi.org/10.22059/ijisp.2023.92638>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

. DOI: <https://doi.org/10.22059/ijisp.2023.92638>

سیاست‌گذاری وضعیت اجتماعی زنان در ایران: بررسی رابطه سیاست‌های کلان و قوانین حوزه زنان با رویکرد مرجع عاطفه خادمی^۱ | فاطمه تقی‌زاده^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دکترای تخصصی، مربی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران، رایانامه: at.khademi@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، رایانامه: f.taghizadeh110@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مقاله حاضر در صدد است خاستگاه سیاستی وضعیت اجتماعی زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی را مورد کاوش قرار دهد. فرض مطالعه این است که رویکرد مرجع در نظام جمهوری اسلامی ایران در تمامی حوزه‌ها، رویکرد رهبران انقلاب اسلامی است. بنابراین می‌توان از طریق فهم مضامین این رویکرد و بررسی سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان، به این دو پرسش بنیانی پاسخ داد که رویکرد مرجع جمهوری اسلامی ایران نسبت به وضعیت زنان چیست؟ و با توجه به رویکرد مرجع، سیاست‌گذاری وضعیت اجتماعی زنان چه وضعیتی دارد؟ مقاله با استفاده از روش تحلیل مضمون، سه حوزه بیانات رهبران جمهوری اسلامی ایران، ابلاغیه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات مجلس شورای اسلامی را مورد تحلیل قرار می‌دهد و ضمن توصیف وضعیت اجتماعی زنان، رویکرد این سه حوزه نسبت به زنان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نتایج تحقیق از طریق ایجاد پیوند بین تحلیل توصیفی و تحلیل مضمون اثبات می‌کند، علی‌رغم وجود پتانسیل بالا در رویکرد مرجع در مسیر بهبود وضعیت اجتماعی زنان در ایران، نهادهای دوگانه فوق‌الذکر بهره‌رسانی از این ظرفیت نبرده‌اند. این دلیلی برای تحقق ضعیف تاثیر مطلوب رویکرد مرجع در جامعه ایران است. لذا نیازمند اصلاحات جدی در حوزه تقنینی و سیاست‌گذاری هستیم تا به واسطه‌ی آنها، عملکرد دولت‌ها تا حد زیادی قابلیت کنترل و ارزیابی داشته باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۸	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰	
کلیدواژه‌ها: تحلیل مضمون، تقنین، زنان، سیاست‌گذاری، وضعیت اجتماعی.	

استناد: خادمی، عاطفه و تقی‌زاده، فاطمه (۱۴۰۱). سیاست‌گذاری وضعیت اجتماعی زنان در ایران: بررسی رابطه سیاست‌های کلان بررسی مسائل اجتماعی ایران،

۱۳(۱)، ۱۲۹-۱۴۹. <https://doi.org/10.22059/ijisp.2023.92638>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/ijisp.2023.92638>

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، بر مبنای آرمان‌هایی کلان و متعالی محقق شد که سپس به تغییر و تحولات بنیادین در ساختارهای خرد و کلان کشور انجامید. زنان نیز به عنوان نیمی از جمعیت کشور در مسیر این دگرگونی بنیادین قرار داشتند. انقلاب اسلامی زیست‌بوم جدیدی را برای زنان ایرانی نوید می‌داد که یکی از مبانی آن عدالت اجتماعی بوده است. اولین نمود این تغییر و تحول را می‌توان در شکل‌گیری معرفتی جدید بر مبنای جهان‌بینی اسلامی توسط امام خمینی مشاهده کرد. وی با ارائه قرائت جدیدی از دین در باب مسئله زن در انقلاب اسلامی، رویکرد متفاوتی را در حوزه‌ی مسائل زنان پیش نهاد.

رشد و حرکت زنان در حوزه‌های اجتماعی مختلف مانند آموزش، اشتغال و مشارکت طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی محسوس گردید اما علی‌رغم شکل‌گیری تغییر و تحولات سازنده انقلاب در ارتباط با مسائل زنان، سیر حرکت در این مسیر دارای فراز و نشیب‌های بیشماری بوده است، به نحوی که طی ۳۰ سال اخیر، حوزه‌ی تحول در وضعیت اجتماعی زنان یکی از پرچالش‌ترین حوزه‌های اجتماعی بوده است. علت این امر را می‌توان بیش از همه در وجود دیدگاه‌های مختلف و گاه متضاد دانست. این دیدگاه‌ها در تبیین کم و کیف وضعیت اجتماعی زنان عموماً بر مبنای رویکردهای متأثر از مبانی مختلفی مانند سنت و مدرنیته قرار دارند.

در این حالت، تاکید بر مواردی مانند مشارکت اجتماعی زنان، حضور در عرصه‌ی عمومی و ارتقاء وضعیت تحصیلی زنان و اشتغال آنها، همواره با مسائلی مانند تغییر نقش‌های سنتی و جنسیتی گره خورده است که تقابل دیدگاه سنت و مدرن، خاستگاه بسیاری از این منازعات محسوب می‌گردد. سنت‌گرایان افراطی بر روی نقش‌های خانه‌نشینی، خانه‌داری و منزلت فروتری زنان تاکید می‌کنند و تجددگرایان افراطی، در قالب تئوری‌های توسعه، بر برابری و تشابه نقش‌های جنسیتی و تحقیر نقش‌های مادری بحث کرده‌اند. این در حالی است که هیچکدام از رویکردهای فوق، تبیین‌کننده وضعیت اجتماعی زنان در ایران نمی‌باشد و نتیجه‌ی چنین رویکردهای افراطی، جز سرکوب، تحقیر و آشفتگی در حوزه‌ی زنان نبوده است و هرگاه در محافل گوناگون، سخن از مسائل و مشکلات زنان به میان می‌آید، صاحب‌نظران هر یک به نوعی و از زاویه‌ای مسئله‌ی زنان را زیر ذره‌بین نگاه خود برده، از آن تحلیلی به دست می‌دهند.

علت این آشفتگی در این واقعیت نهفته است که زنان در جامعه ما مشکلاتی دارند که ناشی از فاصله میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است. نداشتن زبان مشترک در فهم و ارزیابی مسائل زنان (معرفت‌شناسی مسائل زنان) و عدم حاکمیت رویکرد مطلوب (انقلاب اسلامی) در عرصه‌های مختلف دانشی، بینشی و اجرایی در حوزه‌ی زنان، خود، امری مشکل‌ساز است که وجود قرائت‌های گوناگون در خصوص مسائل زنان در ابعاد مختلف حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را رقم زده است. به نحوی که علی‌رغم توفیقات انقلاب اسلامی در بهبود وضعیت اجتماعی زنان هنوز یک دید جامع نسبت به جایگاه اجتماعی زنان حاکم نشده است و پرسش‌هایی از این دست که: کم و کیف مشارکت زنان در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی به چه میزان باید باشد؟ و یا در عرصه‌ی آموزش، جامعه‌ی زنان از چه حق و حقوقی و در چه سطوحی باید برخوردار باشند؟ و هرم آموزشی زنان با چه شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی باید تعریف گردد؟ و نیز در حوزه‌ی اشتغال، چه مدل و برنامه‌هایی برای حضور زنان مطلوب است؟ و سیاست‌های اتخاذی باید با چه جهت و هدفی تعریف گردند؟ و غیره، همگی ابهامات اساسی این حوزه محسوب می‌گردد. در کنکاش پیرامون پاسخ به آشفتگی ترسیم شده در حوزه زنان، عرصه سیاستگذاری که یکی از موثرترین خاستگاه‌های نگرشی و عملی به زنان در جامعه است اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال، خود سیاستگذاری، ریشه در تبیین‌های مرجع و معیاری دارد که در جامعه به‌عنوان رویکرد مسلط ساری و جاری پذیرفته می‌شود. از این رو، در این مقاله رویکردهای مرجع رهبران انقلاب اسلامی ایران به عنوان موثرترین رویکردها

بر نظام سیاست‌گذاری در کشور و هم‌چنین مستندات دو نهاد عالی تقنینی (مجلس شورای اسلامی) و سیاست‌گذاری (شورای عالی انقلاب فرهنگی) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هدف تحلیل متون فوق، فهم مبانی نظری و سیاستی در حوزه زنان و در ایران بعد از انقلاب اسلامی است. در حقیقت سوالات اصلی در مقاله‌ی حاضر اولا آن است که رویکرد مرجع جمهوری اسلامی ایران نسبت به وضعیت اجتماعی زنان (با تاکید بر سه حوزه آموزش، اشتغال و مشارکت) چیست؟ و با توجه به رویکرد مرجع، وضعیت اجتماعی زنان چگونه سیاست‌گذاری گردیده است؟ در حقیقت فاصله بین رویکرد مرجع به عنوان وضعیت مطلوب سیاست‌گذاری با آنچه توسط نهاد تقنینی و سیاست‌گذاری وضع شده است چگونه است؟

به صورت کلی می‌توان گفت ضرورت پرداختن به این موضوع در شرایطی که کم و کیف وضعیت اجتماعی زنان و نحوه‌ی نقش‌آفرینی اجتماعی آنان با چالش‌ها و مسائل عدیده‌ای مواجه است می‌تواند با ترسیم وضعیت موجود راه روشنی را ایجاد نماید تا در سایه‌ی وضع‌شناسی و توجه به رویکرد مرجع در این موضوع با نگاهی جامع و همه‌جانبه به مسائل زنان در عرصه اجتماعی پرداخته گردد.

۲. پیشینه نظری

با توجه به بررسی صورت گرفته حول محور موضوع مورد نظر این پژوهش، پژوهش‌ها و مقالات ذیل نزدیک‌ترین قرابت را داشتند که عبارتند از:

عنوان	موضوع
صادقی فسایی، سهیلا، خادمی، عاطفه، نجفی، طیبه، تحلیل گفتمان سه دوره اجرایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه وضعیت اجتماعی زنان، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۷	این پژوهش در صدد پاسخ به دو پرسش اصلی است: در رابطه با تحول در وضعیت اجتماعی زنان، طی سه دهه گذشته بعد از انقلاب اسلامی، چه گفتمان‌هایی در نهاد اجرایی کشور شکل گرفته است؟ و با توجه به گفتمان‌های احصاء شده، زنان چه جایگاهی در این گفتمان‌ها دارند؟ در ادامه به تحلیل گفتمان وضعیت اجتماعی زنان در هر دولت می‌پردازد.
امینی، سعیده، بررسی تطبیقی وضعیت اجتماعی زنان در دولت‌های دو دهه اخیر، علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۷۵	مقاله حاضر در صدد است به بررسی وضعیت اجتماعی زنان در عرصه مدیریت مناصب دولتی، اشتغال و بیکاری، آموزش و تحصیلات و سرپرستی خانوار از دولت‌های پنجم تا یازدهم جمهوری اسلامی ایران بپردازد. در ادامه به بررسی حضور زنان در دو حوزه‌ی تحصیلات و اشتغال در دولت‌ها پرداخته است.
عیوضی، محمد رحیم، کریمی، غلامرضا، مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی، دانش سیاسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۱۴	این پژوهش به دنبال آن است که با مراجعه به آیات و روایات به بررسی حضور اجتماعی زنان و آداب و نحوه مشارکت اجتماعی زنان به عنوان یک ضرورت پیش روی افراد جامعه بشری بپردازد.
مومنی، فرشاد، هنردوست، عطیه، بررسی وضعیت زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب، زن در فرهنگ و هنر، بهار ۱۳۹۳، دوره ششم	پژوهش مذکور به دنبال بررسی وضعیت و موقعیت زنان در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب است. این بررسی براساس نظریه‌های آمارتیا سن و با مروری بر شاخص‌های توسعه انسانی، توسعه جنسیتی و توانمندی‌های زنان صورت گرفته است.
شادی‌طلب، ژاله، کمالی، افسانه، مشارکت اجتماعی زنان، زن در توسعه و سیاست، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۴	این پژوهش با هدف بررسی میزان و عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان در سطح شهر تهران انجام شد و در نهایت زنان را به چهار دسته کلی ذیل تقسیم می‌کند: زنان منفعل، انزواجویان، فعالان فرهنگی و مشارکت‌جویان.
سیمبر، رضا، رضاپور، دانیال، جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران، زن و جامعه، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲	نویسندگان در این پژوهش در صدد هستند به بررسی و تبیین جایگاه و مقام زنان در منظر رهبران انقلاب اسلامی بپردازند. نتیجه‌ی پژوهش نیز تاکید بر عظمت مقام زنان و تجلیل از دستاوردهای آنان و هم‌چنین ترفیع جایگاه زن در همه‌ی شئون زندگی است.

۳. مبانی نظری و مفهومی

در این بخش، مفاهیم محوری پژوهش و همچنین رویکرد نظری به موضوع ارائه می‌شود. مشخصاً مفاهیم وضعیت اجتماعی زنان، سیاستگذاری و نهادهای سیاست‌گذار تعریف می‌شوند و در نهایت، ابعاد نظری مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳-۱. وضعیت اجتماعی زنان: تحول در وضعیت اجتماعی

عرصه اجتماع متشکل از مجموعه‌ای از کنشگران انسانی است که با هم رابطه متقابل داشته و در هر کنش اجتماعی حامل نقش اجتماعی هستند. در این حالت وضعیت اجتماعی به انواعی از حوزه‌های مرتبط با کنشگر در عرصه اجتماعی اشاره دارد و لذا حضور فرد در عرصه‌ی اجتماعی منجر به شکل‌گیری انواعی از تعاملات با اشکال گوناگون می‌گردد اما در خصوص وضعیت اجتماعی زنان نیز باید به انواعی از تعاملات و وضعیت‌های گوناگون برای آنان در عرصه اجتماعی توجه نمود. طبق پژوهش‌های به عمل آمده (صادقی، ۱۳۸۹) و واقعیت‌های اجتماعی به نظر می‌رسد حوزه آموزش و اشتغال و مشارکت سیاسی و اجتماعی از مهم‌ترین و پر مسئله‌ترین حوزه‌های زنان در عرصه‌ی اجتماع باشد. در حقیقت وضعیت اجتماعی زنان به قسمی از شرایط زنان اشاره دارد که در آن زیست اجتماعی و حضور اجتماعی آنها رقم می‌خورد. در این میان عرصه‌ی آموزش، اشتغال و مشارکت، سه عرصه و حوزه برجسته است که از بیشترین قابلیت در رقم زدن و شکل‌گیری وضعیت اجتماعی زنان برخوردار است. لذا در این مطالعه وضعیت اجتماعی زنان، با تمرکز بر سه حوزه آموزش، اشتغال و مشارکت تعریف می‌گردد.

۳-۲. سیاستگذاری و نهادهای سیاستگذار

سیاست تصمیمی پایا است که از سوی یک منبع دارای اقتدار مانند یک دولت، یک شرکت یا رئیس یک خانواده، اتخاذ می‌شود. به شکلی عام‌تر، سیاست‌ها می‌توانند اهدافی باشند که قرار است بدست آیند (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰: ۴۱). سیاستگذاری به‌طور مشخص طراحی و برنامه‌ریزی روش‌ها و راه‌هایی برای دستیابی به اهداف معین در زمینه‌های مشخص می‌باشد که قرار است صحنه عمل و اجرا را از خود متأثر سازد. در ادبیات سیاستگذاری، عنوان سیاستگذاری با پسوند عمومی به عنوان یک الگو برای فعالیت‌های دولتی در چند موضوع یا مسأله برای رسیدن به هدف و منظور خاص شناخته شده است. که شامل اعمالی است که دولت برای دستیابی به هدف انجام می‌دهد و یک الگوی هدفمند از فعالیت است و یک تصمیم منفرد توسط یک گروه یا برخی اشخاص نیست (اشتریان، ۱۳۸۶). اگر دولت در تعاریف متداول سیاستگذاری عمومی مترادف با حاکمیت و حکومت قلمداد گردد، سیاستگذاری به مجموعه فعالیت‌های نهادهای متولی این امر در جهت کنترل و هدایت حرکت جامعه در مسیر اهداف مشخص شده حکومت باز می‌گردد که در کشور ما نهادهای سیاستگذار شامل مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی در سطح کلان می‌باشد که مسئولیت ابلاغ و اتخاذ سیاستگذاری‌های کلان نظام را بر عهده دارند البته در کشور ما ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه و هدایت‌کننده حکومت در جایگاه تعیین سیاست‌های کلان نظام و بالاتر از مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار دارد که سیاست‌های کلان که در قالب چشم‌انداز قرار دارند را به نهادهای متولی آن جهت تدوین و نظام‌مند نمودن ابلاغ می‌نمایند. لذا مهمترین ارکان سیاستگذار در جمهوری اسلامی ایران به صورت عمودی شامل ولی فقیه، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و دولت می‌باشد که مجلس شورای اسلامی و دولت اگر چه با عناوین قانونگذاری و اجرایی شناخته می‌شوند، اما در پروسه سیاستگذاری مجلس و دولت در سطح میانه و خرد به نوعی نمایش‌دهنده سیاست‌های تعیین یافته و عینیت یافته نظام در قالب قوانین و مصوبات و اقدامات اجرایی در عرصه اجتماعی می‌باشند. اما در این پژوهش منظور از نهادهای سیاستگذار

تمامی نهادهای متولی امر سیاستگذاری است که در بخش‌های مختلف پژوهش در بیان نظریه مدنظر و تحلیل رویکردهای موجود در باب زنان و نیز ارائه خط مشی‌های سیاستی در سه سطح ولایت فقیه، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۳. چارچوب مفهومی

انقلاب اسلامی همواره به دنبال حاکمیت دین اسلام در تمامی مسائل از جمله مسائل زنان بوده است، و در این مسیر، رهبران انقلاب از بدو شکل‌گیری تا کنون به عنوان قطب‌نمای حرکتی انقلاب، نمایان‌کننده مسیر و جهت این حرکت بوده‌اند. رهبرکبیر انقلاب اسلامی از ابتدا، با تأکید بر نقش و جایگاه زنان در جامعه اسلامی به برجسته‌سازی جایگاه زنان پرداختند. دیدگاه رهبر انقلاب در خصوص زنان، الهام گرفته از نظر و دیدگاه اسلام نسبت به مسئله زنان بود. اسلام در رویکردی جامع و مانع در عرصه حیات بشری میان زن و مرد تفاوت ماهوی نمی‌بیند و به همین دلیل نیز هر دو از دین واحد برخوردارند و ثواب و عقاب اعمال‌شان یکسان است. اساساً رویکرد دین بر مدار نگاه جنسیتی قرار ندارد زیرا در نگاه دینی، «حقیقت انسان به صورت عقلی او است. صورت جمادی، نباتی و حیوانی، علل مادی پدید آمدن انسان هستند و همان‌گونه که این صور دخیل در حقیقت آدمی نمی‌باشد، لوازم مربوط به آنها نیز در حقیقت انسان دخیل نمی‌باشد. از این بیان دانسته می‌شود که مونث و یا مذکر بودن که مربوط به مرحله حیوانی و از لوازم تولید مثل، یعنی از لوازم ماده نباتی است و مربوط به ذات و حقیقت نوعی او نمی‌باشد و لذا آنجا که تفاوتی بین جنس و جنسیت گذارده می‌شود بر مبنای نگرش فلسفی اسلامی با این خصوصیت است که جنس و جنسیت هیچ یک مربوط به حقیقت انسان نیست و در صورت نوعیه و هویت او قرار نمی‌گیرند و تقسیم‌بندی دوگانه جنس ناظر به ابعاد طبیعی و مکانیسم غریزی آدمی بوده و جنسیت در حوزه فرهنگ و رفتار آدمی قرار می‌گیرد و اما ذات انسان همان حقیقت عقلی است که در حوزه تدبیر و تنظیم رفتارهای انسانی و اجتماعی خود، فرهنگ را پدید آورد» (پارسانیا، ۱۳۸۴: ۳۷).

«از دیدگاه عقلی نیز دو شیء متفاوت و متمایز امتیازشان یا بر حسب علل بیرونی است یا عوامل درونی. اگر از نظر عوامل درونی هیچ تمایزی بین آنها نباشد، دو نوع از یک جنس بوده و در این صورت تفاوت جوهری ندارند. انسان‌ها چه مرد و چه زن از نظر علل و عوامل بیرونی تفاوتی ندارند. مبدأ فاعلی و مبدأ غایی‌شان یکی است و دینی هم که برای تربیت آنها آمده است، نسبت به هر دو واحد بوده است. اما در مورد علل و عوامل درونی بین زن و مرد ممکن است تفاوت‌های مختصری باشد یا کسانی وجود این تفاوت را ادعا کنند. اما در نهایت این تفاوت‌ها دلیل بر آن نیست که در خصوصیات اساسی و تقسیم فضائل یکی بر دیگری برتری داشته باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸). در نگاه مطلوب فلسفه اسلامی، «عقل در مراتب عالی خود فارغ از ابعاد جسمی و جنسی بوده و زن و مرد برای سعادت خود به گونه‌ای یکسان به هدایت و استفاده از آن نیاز دارند» (پارسانیا، ۱۳۸۴).

بعد از بیان مختصر نگاه اسلام به ماهیت وجودی زن، در عرصه حیات اجتماعی نیز، دین، بشر را با دید جمعی می‌نگرد و برای انسان سوای از مرد و زن بودن، یک هویت جمعی قائل است. یک سلسله وظایفی را به عنوان مسائل اجتماعی مطرح می‌کند و مسلمانان را به انجام آن وظایف فرا می‌خواند. قرآن کریم مؤمنین راستین را کسانی معرفی می‌کند که هم از نظر عقیده به خدا و پیامبرش معتقدند و هم از نظر درک مسائل اجتماعی و هوش جمعی جامعه را خوب می‌شناسند و در مسائل اجتماعی همواره حضور دارند و منزوی نیستند و در هیچ امر جامع رهبرشان را تنها نمی‌گذارند»^۱ (جوادی آملی، ۱۳۷۸).

در این بینش انسان خواه زن و خواه مرد ابزار فراوانی برای تکامل در اختیار دارد و هرگز خودش ابزاری برای کالاهای دنیا و متاع‌های زودگذر آن نخواهد بود.

آنچه در مباحث نظری مطرح شده به عنوان ملاک و مبنا مورد توجه است نوع نگاه به موضوع و مسئله‌ی انسانیت است که در روند تکاملی بشر فارغ از هر نوع نگاه جنسیتی است و در این جهان بینی هدف و غایت مورد نظر تحقق تکامل بشری است که اعم از زن و مرد است و در این مسیر زنان عاملیت دارند.

۴. روش‌شناسی

مطالعه حاضر، مبتنی بر تحلیل مضمون بیانات رهبران انقلاب اسلامی ایران، اسناد راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات مجلس شورای اسلامی است. از آنجا که متون تحت بررسی، تنوع ساختاری و محتوایی دارند، نمی‌توان از تکنیک واحد برای تحلیل همه این متون استفاده کرد. اما از آنجا که هدف نهایی تحلیل، استخراج محورهای موضوعی در هر گروه از متون است، بنابراین از روش تحلیل مضمون^۱ برای این منظور استفاده شده است.

تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. منظور از الگو، مدلی است که از طریق نظم مفهومی داده‌های مستخرج به دست می‌آید. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون یک روش کیفی ویژه نیست، بلکه فرآیندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود (بویاتزیس، ۱۹۹۸).

تحلیل مضمون را بایستی حرکتی در جهت سیاست‌گذاری و تجربه مبتنی بر شواهد و مدارک دانست که با هدف نزدیک کردن تحقیق به تصمیم‌سازی انجام می‌شود (چالمرز^۲، ۲۰۰۳؛ اوکلی^۳، ۲۰۰۲). این روش بازبینی، از تکنیک‌های شفاف و دقیق استفاده می‌کند تا نتایج تحقیق اولیه را برای پاسخگویی به پرسش‌های اساسی حوزه سیاست‌گذاری متناسب بکند (کوپر و هدگز^۴، ۱۹۹۴؛ هیگینز و گرین^۵، ۲۰۰۶؛ پتیکرو و رابرتز^۶، ۲۰۰۶) و در نهایت تلاش می‌کند تصویری از متن استخراج بکند که فرایندهای بازبینی بر آن تاثیر شکننده و گمراه‌کننده ندارد (چالمرز و دیگران^۷، ۲۰۰۲؛ یونی و دیگران^۸، ۲۰۰۱؛ مورلو^۹، ۱۹۹۴؛ وایت^{۱۰}، ۱۹۹۴). روش‌های بازبینی نظام‌مند مانند روش آزمون نمونه‌های کنترل شده (یا آر.سی.تی) در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش‌ها امروزه هم متداول و در حال توسعه است (کمپل و دیگران^{۱۱}، ۲۰۰۳؛ دیکسون وودز و دیگران^{۱۲}، ۲۰۰۶؛ سندلفسکی و بروسو^{۱۳}، ۲۰۰۷؛ ثورن و دیگران^{۱۴}، ۲۰۰۴).

در این مطالعه، از روش‌های نمونه‌گیری متداول برای تحقیقات کیفی استفاده نشده است. بلکه در سه منبع متنی فوق‌الذکر، همه متونی که با وضعیت زنان مرتبط بوده است استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است. هدف از استخراج و تحلیل مضمون این است که

¹ Content analysis

² Chalmers

³ Oakley

⁴ Cooper and Hedges

⁵ Higgins and Green

⁶ Petticrew and Roberts

⁷ Chalmers *et al*

⁸ Juni *et al*

⁹ Mulrow

¹⁰ White

¹¹ Campbell *et al*

¹² Dixon-Woods *et al*

¹³ Sandelowski and Barroso

¹⁴ Thorne *et al*

بدانیم محورهای اصلی هر یک از سه دسته متن راجع به زنان چیست و به عبارت دیگر بتوانیم تصویری از وضعیت زنان در هر یک از سه دسته متون ارائه کنیم.

دیدگاه انقلاب اسلامی در خصوص مسئله زن بر مدار نظر اسلام و متأثر از اندیشه‌های رهبران دینی انقلاب یعنی امام خمینی و امام خامنه‌ای است که البته با توجه به بازه‌های زمانی مورد پژوهش و حرکت پیش رونده انقلاب در دهه چهارم حیات خود، تأکید بر دیدگاه و نظریات مقام معظم رهبری در خصوص مسئله زن می باشد. در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای اصل ولایت فقیه قرار گرفته است و ولی فقیه به عنوان بالاترین مقام سیاستگذار محسوب می‌گردد. از منظر قانون اساسی نیز نقش رهبری، هدایتگری و تبیین خطوط کلی حرکت نظام و نظارت بر اجرای آنها است و تحقق آنها وظیفه هر بخشی در حوزه مربوطه است. احصاء کم و کیف نظری رویکرد انقلاب اسلامی در خصوص زن در این پژوهش از طریق زیر صورت پذیرفته است:

۱. مراجعه مستقیم به کل بیانات مقام معظم رهبری و تحلیل تماتیک کل بیانات
 ۲. مراجعه غیر مستقیم به آراء و نظریات امام خمینی از طریق کتب و مقالات مرتبط با موضوع
 ۳. مطالعه همه اسناد راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص وضعیت زنان
 ۴. بررسی کلیه مصوبات مرتبط با وضعیت زنان در مجلس شورای اسلامی. است.
- با توجه به اینکه روش پژوهش کیفی بوده است، جهت افزایش اعتبار پژوهش از منابع دسته اول در این زمینه استفاده شده است. در زمینه دست یابی به رویکرد مرجع در زمینه سیاستگذاری در حوزه مشارکت اجتماعی زنان کلیه بیانات مقام معظم رهبری در این موضوع مورد بررسی قرار گرفت. همچنین آراء امام خمینی در این موضوع با مراجعه به کتب و مقالاتی که گردآوری بیانات ایشان در این خصوص را مورداهتمام قرار داده اند، مورد بررسی قرار گرفتند. در خصوص دو نهاد سیاستگذار در جمهوری اسلامی شامل شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین مجلس شورای اسلامی نیز با مراجعه به کلیه مصوبات و استخراج مصوبات در حوزه زنان سعی شد تا تمامی داده های مربوط به حوزه سیاستگذاری مشارکت زنان مورد بررسی قرار گیرد. در زمینه اعتبار نظری پژوهش نیز قرابت محتوایی رویکرد مرجع با مبانی نظری در خصوص وضعیت اجتماعی زنان نشان دهنده استخراج دقیق مقوله ها در این زمینه است. لازم به ذکر است در این پژوهش برای استخراج مقوله های از روش تحلیل مضمون مرحله به مرحله و دقیق استفاده شده است تا در استخراج مقوله های نهایی آنچه به دست می آید تبیین دقیق رویکردهای موردنظر بوده و دیدگاه پژوهشگر در آن موثر نباشد.

۵. تحلیل داده‌ها

با توجه به سوال اصلی یافته های پژوهش با تحلیل مضمون داده ها از منابع دسته اول در سه بخش مهم ارائه می گردد. بخش اول شامل رویکرد رهبران انقلاب به عنوان رویکرد معیار است که با تحلیل مضمون تمامی بیانات امامین انقلاب در موضوع زن به دست آمده است. لازم به ذکر است با توجه به اینکه فعالیت های زنان در سه عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی درهم تنیدگی قابل توجهی دارد، رویکرد مرجع در هر سه عرصه مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم تمامی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان نهاد سیاستگذار در حوزه فعالیت اجتماعی زنان و تمامی مصوبات مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد قانون گذار مورد تحلیل قرار گرفته است و در نهایت جمع بندی از یافته ها صورت گرفته است که در ادامه به آن اشاره می گردد.

۵-۱. رویکرد رهبران انقلاب به عنوان رویکرد معیار

رویکرد معیار سیاست‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران، رویکرد رهبران دوگانه ایران است. علاوه بر جایگاه مرجعیت فقهی رهبری در سازوکار حکمرانی دینی، بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران به عهده رهبری است، بنابراین رهبر جمهوری اسلامی ایران را بایستی به‌عنوان مصدر و منشأ رویکرد کلان و مطلوب در همه حوزه‌های اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دانست، چرا که هم به دلایل فقهی و هم به دلایل حقوق مدنی، رهبری مرجع چشم‌انداز مطلوب برای همه عرصه‌های حیات سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی جامعه است.

۵-۱-۱. شایسته‌سالاری و حق‌مداری اساسی رویکرد رهبران انقلاب اسلامی در مسئله زن

بررسی پیرامون دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی در خصوص زنان، به لحاظ تشریح تمامی ابعاد و جوانب مسئله، حجم بالایی از داده و یافته‌های تحلیل را شامل می‌شود که به جهت اختصار در موضوع و کاربرد آن در پژوهش فوق، در حد ارائه‌ی شاخص و مبنا جهت تبیین رویکرد انتقادی با هدف تشریح مؤلفه‌ها و گزاره‌های اساسی در ارائه‌ی کلی نظریه‌ی انقلاب اسلامی در خصوص مسئله‌ی زنان عنوان می‌گردد.

در منظر رهبران انقلاب اسلامی زنان به ما هو زن بودن و فرای از نقش‌های مختلفی که دارند دارای هویت مستقل و جایگاه ویژه‌ای می‌باشند که این دیدگاه نشأت گرفته از مبنای و جهان‌بینی اسلامی است که قبلاً به آن اشاره گردید. بر مبنای این اصل مهم است که دیگر سطوح مرتبط با مسائل زنان مطرح می‌گردد. با توجه به موضوع پژوهش اصول مرتبط با نقش آفرینی اجتماعی بانوان قابل توجه است.

الف) مشارکت اجتماعی هدفمند

در اندیشه اصلاحی رهبران انقلاب، شاهد نوعی از بازخوانی از منزلت اجتماعی زن از منظر دین هستیم. چرا که، اصل اساسی مورد نظرشان در مورد حضور زن در صحنه‌های سیاسی، مبارزاتی و... ممانعت از «شیء وارگی» زن است. در این راستا، حضرت امام خمینی، در تبیین حدود جایگاه اجتماعی زن در یک نظام ایده‌آل می‌فرماید: "در نظام اسلامی زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به صورت یک شیء، نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین ببینند" (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۷/۷/۱۸) زیرا «اسلام زن را مثل مرد در همه شؤون - در همه شؤون - همان طوری که مرد در همه شؤون دخالت دارد دخالت داده است» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۷/۱۲/۱۳) و «زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۷/۱۲/۱۳).

به صورت طبیعی پس از تبیین و تفسیر جایگاه و منزلت اجتماعی زن از سوی امام خمینی رحمه الله، زمینه برای حضور فعال و سازنده زن در نظام اسلامی فراهم شد. به همین جهت ایشان از یک طرف حدود فعالیت‌های علمی، اجرایی، سیاسی، حقوقی و... زنان را معین می‌سازند و از طرف دیگر با توجه به برخی تنگناهای نظری موجود، به تعدیل این طیف از نظرات می‌پردازند. مخاطبین امام در اینجا همگان هستند، به ویژه آنان که نظرشان هماهنگ با امام نیست: «آنهايي که کارشکنی می‌کنند (اشاره به کسانی که به بهانه‌های مختلف با فعالیت‌های اجتماعی زنان مخالف می‌کردند) اگر مسلمان هستند، این خدمت‌بزرگی که این خانم‌ها و این بانوان

دارند می‌کنند و پیش خدا خدمت‌شایسته است، از معاصی کبیره است که کارشکنی در این موضوع بکنند» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۱/۱۲/۲۲).

نقش زن در اجتماع به عنوان نیمی از نیروی فعال جامعه در رویکرد انقلاب اسلامی واضح است. در کلام رهبران این نهضت لزوم حضور زنان در اجتماع در کنار پرداختن به وظایف خانوادگی کاملاً مشهود است. انقلاب اسلامی به عنوان یک واقعه مهم تحول‌شگرفی در افزایش نقش اجتماعی زنان ایفا کرده است.

زیرا همواره این اعتقاد وجود داشته است که «زن‌ها باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم‌دوش مردها باشند البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است که بحمدالله امروز در ایران جاری است» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۳/۱/۱۹).

ب) اثرگذاری مبنایی

«زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی، می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی را به عهده بگیرد» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۵۷/۸/۱۹) زیرا «اسلام، علو رتبه زن از نظر شخص و منزلت علمی و فرهنگی و اجتماعی و هنری و سیاسی را جایگاه حتمی زن دانسته و سلوک به سوی آن را لازم شمرده و راه آن را با ارزش‌گذاری‌ها و مقررات و احکامی هموار ساخته است» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸/۸/۳).

ج) سیاست ورزی تکلیف محور

امام و مقام معظم رهبری نقش و توان زنان در شرکت در عرصه‌ی سیاسی بسیار زیاد می‌دانند. در کلام این دو بزرگوار یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی بالاخص تاثیرگذاری سیاسی آنان است. «خانم‌ها گمان نکنند کنار بروند مردها خودشان کارها را انجام خواهند داد نه چنین است مسئله، مسئله عقیده است، زن‌ها و مردها همه پاسدار اسلامند باید در سیاست مداخله کنند و این تکلیف اینان است» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۸/۶/۲۲) ورود بانوان به مسائل سیاسی این از برکات نهضت است. باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۵۹/۶/۱۹) «در میدان‌های سیاسی کشور ما، خانم‌هایی هستند که با قدرت تحلیل سیاسی آماده پذیرش مسئولیت در نظام هستند که این روند رو به افزایش است» (دفتر پژوهش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، ۱۳۷۴: ۲۱۵).

د) اشتغال هویت محور

اشتغال به عنوان یکی از عرصه‌های حضور اجتماعی زن در کلام امام و مقام معظم رهبری صحیح است اما کسب این وضعیت اجتماعی نباید به عفاف زن و نقش تربیتی وی در خانواده و همچنین نقش همسررداری او ضربه بزند. در این دیدگاه اشتغال زن به سبک غربی آن مورد نقد است و عدم نگاه ابزاری به زن در هر وضعیت لازم و ضروری به شمار می‌آید. «شغل برای زن، شغل صحیح برای زن، هیچ مانعی ندارد؛ لکن نه آنطوری که غربی‌ها می‌خواستند. آنها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند. نظرشان به این بود که زن را مثل مردها هم، زن‌ها را و مردها را، از آن مقامی که دارند منحنط کنند، نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود؛ یا یک رشد طبیعی از برای قشر مرد» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۸/۲/۲۶).

مقام معظم رهبری در موارد متعدد بیان می‌کنند که نقطه افتخار آمیز حضور زنان در جامعه بخش تحصیلات، عرصه سیاسی و حضور در دفاع مقدس است و اشتغال را در این دسته قرار نمی‌دهند. دو نکته در سخنان ایشان درباره اشتغال وجود دارد. اولاً ایشان اشتغال زنان در مشاغل مردانه را نفی می‌کنند. بدین معنا که ممنوعیتی برای حضور زن در این حوزه قائل نیستند، اما بیان می‌کنند این را ناشی از فریب جامعه غربی دانسته و افتخار آن را غلط می‌دانند: «یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، طبعاً این است که نگاه کنند ببینند آن مشاغلی که متناسب با این خصوصیت زن است چیست. بعضی از مشاغل هست متناسب با ساخت زن نیست خب اینها را دنبال نکنند» (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰).

ثانیاً به اعتقاد ایشان اشتغال زنان نباید مزاحم کار تربیت فرزند و خانه‌داری شود و در واقع تربیت فرزند و خانه‌داری بر اشتغال اولویت دارد: «پس ما با آن اشتغال و مشارکت کاملاً موافق هستیم که به این قضیه اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون این جایگزین ندارد. شما اگر بچه خودتان را در خانه تربیت نکردید یا اگر بچه نیاوردید یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخ ابریشم ظریف‌تر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده نشود، هیچ کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند نه پدرش و نه به طریق اولی دیگران. فقط کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرونی دارید اگر شما نکردید ده نفر دیگر آن جا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد. پس اولویت با این کاری است که بدیل ندارد، تعیین با این است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

ه) علم آموزی خردمندانه فاقد محدودیت

تکرار مقوله تحصیل در بیانات مقام معظم رهبری از سایر مقولات بیشتر بوده است و نظر ایشان در اکثر موارد تأییدکننده حضور زنان در این حوزه است. این تأیید یک تأیید معمول و ساده نیست بلکه نوعی تأیید مشوقانه است. به این معنا که حضور زنان تحصیل کرده را دفعات متعدد از افتخارات نظام جمهوری اسلامی و بخش درخشان موضوع زن دانسته‌اند: «واقعاً این یکی از بزرگترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه نظام اسلامی این همه زن فرزانه و تحصیل کرده و خوش فکر و ممتاز از لحاظ فکری و علمی در جامعه ما وجود دارند؛ خیلی نعمت بزرگی است و مایه افتخار است» (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰). ایشان هم‌چنین تأکید کردند که «امنیت و کرامت زن باید طوری در خانه همسر حفظ شود که مانع تحصیل وی نشود. در حوزه‌های مطالعاتی زنان نیز پژوهش در حوزه مسائل و مشکلات زنان را بر وظیفه زنان دانسته‌اند. در یک مورد تحصیل را برای زنان نفی می‌کنند. با توجه به اهداف بلند، چه درسی برای زنان مناسب است، آن درسی که در اختیارشان قرار بدهیم، نه اینکه مجبورش بکنیم که شما چون کنکور این جوری شرکت کردی و این جوری نمره‌آوردی حتماً باید بروی فلان درس را بخوانی که این درس نه با طبیعت زنانه او سازگار است نه با اهداف عالی او سازگار است» (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰).

و) خودباوری غیر تقلیدی

در بخشی از سخنان این دو بزرگوار به مطالبی پیرامون نگاه غرب به مقوله زن و راهی که در این زمینه طی کرده است برمی‌خوریم. در این قسمت ضرورت توجه به مولفه‌های غربی که با فطرت زن سازگار نیست و همچنین لزوم بازنگری و بازبینی فرهنگ متأثر از غرب بیان شده است.

«آنها که زن‌ها را می‌خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوان‌های فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زن‌ها نباید گول بخورند؛ زن‌ها گمان نکنند که این مقام زن است. که باید بزک کرده بیرون برود با سر باز و لخت. این مقام زن نیست؛ این عروسک‌بازی است نه زن» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۷/۱۲/۱۳).

«اینها تربیت انسانی را از ایران بکلی از بین بردند، و تربیت‌های غربی، نه آن تربیت‌های صحیح غربی، تربیت‌های فاسد غربی، در بین ما رواج دادند. و در زمان این پسر شاید بیشتر معنویات از بین رفت. در زمان او ظلم شاید ظهورش، ظاهرش بیشتر بود، بانوان را بیشتر اذیت کردند. سایر مردم را بیشتر اذیت کردند» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۵۸/۴/۱۰).

در یک جمع‌بندی مختصر می‌توان عنوان نمود که در رویکرد انقلاب اسلامی برخلاف زن، در تعریف غالباً شرقی، که هم‌چون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی است و برخلاف تعریف غالباً غربی، که به مثابه‌ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت در آمیختند و مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶).

هم‌چنین، با توجه به تغییر و تحولات عینی در فضای انقلاب اسلامی، طی سال‌های گذشته در ابعاد داخلی و بین‌المللی، لازم است به آن جنبه از رویکرد نظری رهبران انقلاب اسلامی توجه گردد که در ارتباط با روند حاکم بر مسائل زنان در عرصه عینیت است.

۵-۲. محورهای نهادهای عالی سیاست‌گذاری و تقنینی

در روند سیاست‌گذاری در کشور، نهادهای سیاست‌گذار که به‌عنوان نهادهای موازی در سطوح کلان کشور در حوزه زنان وجود دارند سه نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای فرهنگی و اجتماعی زنان) و مجلس شورای اسلامی است. از بین این سه نهاد، در مجموع مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیچ موردی راجع به وضعیت زنان تا زمان نگارش این مقاله تصویب یا منتشر نشده است. هم‌چنین، مجلس شورای اسلامی اگر چه در ساختار به‌عنوان نهاد قانونگذار شناخته می‌شود، منتهی در رویکرد کلان به عرصه سیاست‌گذاری؛ این نهاد قانونگذاری بر مبنای سیاست‌های نظام را دنبال می‌نماید و از این جهت قوانین مصوب مجلس، با توجه به نهاد نظارتی شورای نگهبان، حاوی روح سیاست‌های کلان نظام است.

۵-۲-۱. سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای فرهنگی اجتماعی زنان)

پس از تعطیل رسمی دانشگاه‌ها، امام‌خمینی (ره) در ۲۳/۳/۱۳۵۹ فرمانی را مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی صادر کردند و این شورا اولین جلسه خود را به ریاست رئیس‌جمهور وقت در تاریخ ۱۹/۹/۱۳۶۳ تشکیل داد و با ایجاد شورایی مستقل به نام زن و خانواده از سال ۶۷ تاکنون به بررسی مسائل زنان و خانواده نیز پرداخته است. طی این سال‌ها شورای فرهنگی و اجتماعی زنان مبادرت به انجام سیاست‌گذاری‌هایی در امور زنان و خانواده نموده است که به بررسی موضوعی آنها در سه حوزه آموزش، اشتغال و مشارکت سیاسی و اجتماعی در ادامه پرداخته ایم.

۵-۲-۱-۱. حوزه آموزش

در حوزه آموزش، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی براساس منطق پذیرش روند و رویه‌ی کلی حاکم بر حوزه آموزش اقدام به سیاست‌گذاری نموده است در حقیقت سیاست‌های اعلامی رقم‌زننده‌ی تحولات مبنایی نمی‌باشند. در این خصوص تنها مصوبات

شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی و اجتماعی زنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه وضعیت زنان به شرح زیر است.

اصول و مبانی سیاست‌های تحقیقاتی مسائل زنان

این شورا مورخ ۹/۱۲/۱۳۷۹ به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، اصول و مبانی سیاست‌های تحقیقاتی مسائل زنان را تصویب کرد تا از این تحقیقات بتوان به عنوان یکی از ارکان اصلی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در جهت رفع نیازها و تنگناهای فرهنگی و اجتماعی زنان و بهبود وضعیت آنان استفاده نمود.

سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۷۰ مورخ ۲۶/۷/۱۳۸۴، سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی را تصویب کرد. در این سیاست‌ها برنامه‌ریزی جامع و راهبردی در خصوص تربیت زنان متخصص و مورد نیاز جامعه در راستای توسعه و تعالی کشور، ایجاد فرصت عادلانه با تأکید بر اصل تعهد و تخصص و شایسته‌سالاری در جذب و بهره‌گیری از توانمندی‌های زنان متخصص در نظام مدیریتی به عنوان اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در نظر گرفته شد.

تبدیل رشته مطالعات زنان به حقوق زن در اسلام

اوایل خرداد ماه سال ۹۱ براساس مصوبه شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی، رشته «مطالعات زنان» به «حقوق خانواده و زن در اسلام» تبدیل شد.

تصویب سیاست‌های مبانی تحقیقات، ارتقاء مشارکت در آموزش عالی و تغییر عنوان رشته ی مطالعات زنان، حکایت از عدم وجود چشم انداز و نگاه آینده پژوهانه به مسئله است و این سوال مهم و اساسی شکل می‌گیرد که آیا آموزش زنان در کشور نباید در یک چشم انداز مطلوب و با برنامه مدنظر سیاستگذاران قرار بگیرد تا در مسیر تحقق آن، سیاست‌های مورد نیاز را برای جهت‌دهی به حرکت در این حوزه تصویب و ابلاغ نمایند؟

۵-۲-۱-۲. اشتغال کارکردی و غیر نقش گرا

در حوزه اشتغال مصوبات شورا متأثر از روندهای توسعه گرایی در درون کشور با هدف ایجاد بسترهای اشتغال برای بانوان صورت پذیرفته است. در حقیقت هدف اول ایجاد بستر و امکان جهت اشتغال بانوان بوده است و کارکردهای اشتغال بانوان در ساحت اجتماعی مورد توجه بوده است و لذا نبود توجه به موضوع نقش های بانوان در ساحت های مهم تری مانند ساحت فردی و خانوادگی جز نواقص عمده می باشد. مصوباتی در این بخش به شرح ذیل می باشد.

بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر

شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۲۷/۱۲/۱۳۷۰ طرح «بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر» را تصویب کرد. این مصوبه پس از تصویب در شورای عالی انقلاب فرهنگی به مجلس شورای اسلامی رفت و بر اساس آن قوانین برای اشتغال زنان کارگر تصویب و تسهیلاتی برای آنان در نظر گرفته شد.

سیاست‌های اشتغال زنان

این شورا در تاریخ ۲۶/۵/۱۳۷۱ سیاست‌های اشتغال زنان را تصویب کرد که براساس آن توجه به نقش زنان در پیشرفت اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان نیمی از جمعیت مدنظر قرار گرفت و مقرر شد تسهیلات لازم برای اشتغال آنان از سوی دستگاه‌های اجرایی فراهم آید و برنامه‌ریزی‌های مناسب حسب اولویت صورت گیرد. به علاوه اینکه قوانین و امکانات فوق العاده‌ای نیز برای اشتغال زنان تا سر حد رفع نیاز در نظر گرفته شود و زنان نیز مانند مردان قادر باشند بدون تبعیض، شغل مطلوب خود را به دست آورند. مهم‌ترین سیاست اتخاذی شورای فرهنگی اجتماعی زنان در حوزه ی اشتغال تصویب سیاست‌های کلی اشتغال بوده است که در این مصوبه قرار شد مسئله اشتغال زنان در برنامه‌ریزی‌های نهادهای مرتبط در اولویت قرار بگیرد این سیاست در ماهیت خود مطلوب بوده و یکی از نیازمندی‌های مهم زنان در حوزه ی اشتغال می باشد منتهی در محتوای این سیاست کلان از چپستی و چگونگی مسئله ی اشتغال تبیین دقیقی صورت پذیرفته و سیاستی که می‌توانست بسیاری از مشکلات این حوزه را رفع نماید به علت ابهام و کلی گویی از سال ۱۳۷۱ تا به حال نتوانسته راه به جایی ببرد.

۵-۲-۱-۳. مشارکت سیاسی اجتماعی ایده آل گرا و غیرعینی

در حوزه مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان رویکرد شورای انقلاب فرهنگی رخ ایده آل گرایی می‌گیرد. مصوبه منشور حقوق زن مسلمان با فاصله مندی بسیار با سیاست های خرد مصوب شده شورا طی سالیان گذشته در قله ای دست نیافتنی برای جامعه زنان قرار می‌گیرد به نحوی که در نسبت با واقعیت اجتماعی زندگی زنان در یک فاصله مندی بسیار زیاد به سر می‌برد. در حقیقت منشور حقوق زن مسلمان گام مهم و اساسی در پیش روی مسائل زنان بود که در آن تقریباً جامعیت کاملی در خصوص حقوق و تکالیف زنان در ابعاد فردی و اجتماعی صورت پذیرفته بود. اما این مصوبه به دلیل عدم توجه و ارائه ساز و کارهای نظارتی و ارزیابی با وجود مصوبه مجلس شورای اسلامی اجرایی نشد و این امر مبین این نکته مهم است که سیاست‌های کلان حوزه زنان هراندازه کارآمد و قوی باشند تا زمانی که در سیر حرکتی و اجرایی در روند تحقق دنبال نشوند و مورد نظارت و ارزیابی نهادی فراقوه‌ای مانند خود شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار نگیرد راه به جایی نمی‌برد.

جدول ۱: عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه زنان (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲)

برآمدها	مصوبات	عرصه
<ul style="list-style-type: none"> - نگاه کلیشه‌ای شورا به عرصه سیاستگذاری - عدم نگاه تکامل‌گرایانه به حوزه اشتغال - نگاه تک‌بعدی در حوزه آموزش زنان - عدم تطبیق سیاست‌های اتخاذی در مسئله مشارکت با معنا و مفهوم حقیقی مشارکت زنان 	<ul style="list-style-type: none"> ۱- اصول و مبانی سیاست‌های تحقیقاتی مسائل زنان ۲- سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی ۳- تبدیل رشته مطالعات زنان به حقوق زن در اسلام 	آموزش
<ul style="list-style-type: none"> - عدم ترسیم چشم‌انداز و ارائه شاخص‌های عینی و قابل پیگیری در حوزه وضعیت اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> ۱- بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر ۲- سیاست‌های اشتغال زنان 	اشتغال
<ul style="list-style-type: none"> - حرکت منفعلانه و نه حادثه ساز شورا عامل کلیشه‌ای بودن عملکرد شورا - تقلیل جایگاه شورا به یک نهاد تشریفاتی - عدم درک صحیح از ظرفیت‌های این نهاد فراقوه‌ای 	<ul style="list-style-type: none"> ۱- منشور حقوق و مسئولیت‌های زن مسلمان ۲- عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان 	مشارکت

۵-۲-۲. مصوبات مجلس شورای اسلامی

در چهار دهه گذشته پس از انقلاب اسلامی در ۹ دوره تشکیل مجلس شورای اسلامی قوانین و مصوباتی در حوزه زنان به تصویب رسیده است که با استخراج و مطالعه این قوانین در هر دوره به صورت تفکیکی سعی بر توصیف، تبیین و تحلیل این قوانین شد، تا در ذیل آن به شناسایی رویکرد یا رویکردهای حاکم بر این نهاد قانونگذاری در خصوص وضعیت اجتماعی زنان دست یابیم.

۵-۲-۲-۱. مسئله محور بودن قوانین حوزه آموزش

مصوبات مجلس در حوزه آموزش زنان در ادوار مختلف متأثر از تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی تصویب شده و به نظر می‌رسد نهاد قانونگذار کشور به فراخور شرایط موجود اقدام به تصویب مصوبات مرتبط با آموزش نموده است و نهاد آموزش زنان در یک کلیت مشخص دارای نیاز و اولویت‌های قانونی که بتوان بر مبنای آن مسیر آموزش زنان را در روند حرکتی منطقی و همسو با دیگر بخش‌های کشور هدایت نمود نبوده است.

دوره دوم	قانون اعزام دانشجو به خارج از کشور؛ زنان لیسانس و بالاتر با توجه به سایر ضوابط مندرج در این قانون تنها در صورتی که ازدواج کرده باشند در معیت همسر خویش می‌توانند داوطلب اعزام شوند. ۱۳۶۴/۱/۵
دوره پنجم	قانون تشکیل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزارت بهداشت موظف نموده که طوری برنامه ریزی نماید که بانوان در رشته‌های تخصصی زنان، مامایی و رشته‌های بالینی پزشکی به مرحله خودکفایی برسند. ۱۳۶۴/۷/۹
دوره هشتم	قانون الزام فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اشتغال به کار؛ تبصره ۴ سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور موظف است با استفاده از امکانات موجود به منظور رفع مشکلات احتمالی زنان جوایز کار در کلیه مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها متناسب با فرصت‌های شغلی زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای بانوان را فراهم نماید. ۱۳۷۶/۳/۱۱
دوره هشتم	قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی؛ کلیه سهمیه بندی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی اعم از رشته‌های پزشکی و غیر پزشکی در کلیه دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی جز در مواردی ممنوع است اعم از صد در صد پذیرش در رشته‌های تخصصی زنان و زایمان به خانم‌ها اختصاص می‌یابد ۱۳۸۹/۱/۲۹

اساساً در قوانین مرتبط با حوزه آموزش، قوانین مصوب به صورت موردی و ناظر بر یک مسئله خاص بوده و حجم پایین مصوبات در حوزه آموزش زنان در مجلس حاکی از این مطلب است که مجلس نیز مانند نهادهای دیگر دارای قرائت و چشم انداز روشنی نسبت به مسئله وضعیت اجتماعی زنان نبوده است. مصوبه شرط تأهل در اعزام دانشجویان دختر برای تحصیل به خارج کشور، مصوبه خودکفایی زنان در رشته‌های تخصصی زنان و زایمان، مصوبه برقراری عدالت آموزشی و... نشان دهنده درک محدود و موردی از مسئله آموزش زنان می‌باشد که رویکرد متغیر و مقطعی در امر آموزش که در آن گاهی آموزش زنان در تمامی مقاطع و رشته‌ها بدون قید و شرط می‌شود و گاهی با محدودیت‌هایی مواجه می‌گردد، از این دست می‌باشد.

۵-۲-۲-۲-۲-۲ حداقل گرایي بودن قوانین حوزه اشتغال

قوانین مصوب مجلس در حوزه ی اشتغال زنان طی چهار دهه گذشته در نسبت با حوزه آموزش حجم بیشتری از قوانین را به خود اختصاص داده است اما این حجم بالا از مصوبات به معنای پوشش دهی و غنای قوانین مرتبط با مسئله اشتغال نمی باشد. اکثر قوانین تصویب شده در ادوار مختلف نشان‌دهنده نگاه حداقلی و تقلیلی به مسئله ی اشتغال زنان است کما اینکه این امر در ارتباط با حوزه آموزش نیز وجود داشت.

دوره سوم	قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ قانون اصلاح بند ب تبصره ۱ ماده ۲ قانون مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳
دوره چهارم	قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶؛ قانون برنامه دوم توسعه؛ خط مشی اساسی؛ ماده ۵ تعمیم، گسترش و بهبود نظام تامین اجتماعی قانون مقررات استخدامی نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی؛
دوره پنجم	قانون اصلاح ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت؛ قانون الحاق یک تبصره به قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانوان؛ قانون الزام فراگیری آموزش های فنی و حرفه ای برای اشتغال به کار؛ قانون الحاق یک تبصره به ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴؛ قانون تشکیل شورای عالی اشتغال؛ قانون اصلاح قوانین ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اساسنامه سازمان تامین خدمات درمانی پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران؛
دوره ششم	قانون الحاق ماده ۷ و تبصره آن به قانون نقل و انتقل دوره ای قضات؛ قانون اصلاح ماده ۵۸ قانون استخدامی وزارت اطلاعات و الحاق دو تبصره به آن؛ قانون الحاق تبصره ۳ به ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی؛ قانون استخدام نیروی انتظامی ایران؛ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی؛
دوره هفتم	قانون برنامه چهارم توسعه؛ ماده ۵۴ بند ۱ دوره های آموزشی ضمن خدمت متناسب با مشاغل مورد تصدی کارکنان،
دوره هفتم	قانون اصلاح ماده ۳ قانون ترویج تغذیه یا شیر مادران در دوران شیردهی مصوب ۱۳۷۴؛ ۴. قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت؛
دوره هشتم	قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز ماشین ها و مهندسی کشاورزی اسیا و اقیانوسیه ۱۳۸۷/۱۱/۱۶ قانون بیمه های اجتماعی قالیبافان فرش و شاعلان صنایع دستی شناسه دار ۱۳۸۸/۵/۱۸ قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی؛ ۱۳۸۹/۲/۲۲ قانون اصلاح مواد ۱ و ۷ قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان مصوب سال ۱۳۶۴؛ ۱۳۸۹/۲/۲۲ قانون برنامه پنجم توسعه؛ ماده ۳۹ به منظور توانمندسازی افراد و گروه های نیازمند به ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند. ۱۳۸۹/۱۱/۱۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور ماده ۹۱ قانون اعاده بودجه خدماتی زنان سرپرست خانوار و معلولان بهزیستی کشور قانون اصلاح ماده ۳ قانون ترویج تغذیه یا شیرمادران در دوران شیردهی مصوب ۱۳۷۴ افزایش مرخصی زایمان ۱۳۸۶/۴/۵

در حقیقت ظرفیت قانونگذاری طی سالهای گذشته بدون توجه و شناخت و درک حوزه ی اشتغال زنان و نیازمندیهای قانونی در راستای سامان دهی و ظرفیت سازی پیرامون این امر، به تصویب زنجیره ای قوانین مرتبط با خدمات بازنشستگی، قوانین استخدامی در نهادهای خاص و وضعیت بیمه زنان در مشاغل خاص پرداخته شده است. از سوی دیگر این نگاه حداقلی نیز دارای ثبات و عدم تغییر نبوده و در برخی موارد مانند اعطای مرخصی زایمان و مسئله شیردهی مادران شاغل در دوره های مختلف مصوبات مختلفی

مطرح می‌گردد. در تمامی این قوانین بجز قوانین مرتبط با برنامه‌های توسعه که کلی‌گویی بی‌مثالی در خصوص مسئله اشتغال داشته‌اند شاهد قوانین کارآمد و جامع و مانعی که دارای گستره‌ی متوسطی در جامعه‌ی متناهی خود باشد نداشته‌ایم.

۵-۲-۳ توسعه محور بودن قوانین حوزه مشارکت اجتماعی و سیاسی

در حوزه مشارکت سیاسی اجتماعی زنان بجز تصویب قانون‌های برنامه‌های توسعه که در آنها موادی به مسئله زنان به صورت کلی اشاره داشته‌است قانون مهم و اثرگذاری به تصویب نرسیده‌است. بجز چند قانون توافقیانه همکاری‌های بین‌المللی (که به لحاظ ظاهر قوانین می‌توان آنها را در زمره امور مرتبط با مشارکت در سطح بین‌المللی تعریف نمود) قانون دیگری که به کم و کیف مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان بپردازد نداشته‌ایم. در جدول زیر قوانین مصوب مرتبط با حوزه اجتماعی و سیاسی زنان ارائه شده‌است.

قانون برنامه سوم توسعه؛ ماده ۱۵۸ مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده،	دوره پنجم
قانون موافقتنامه همکاری در زمینه فعالیت زنان و خانواده بین ایران و تونس در زمینه زنان و خانواده	دوره ششم
ماده ۸۹ «د» تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکل‌های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان، ماده ۱۱۰	

۶. نتیجه‌گیری

هدف تحقیقاتی این مقاله را می‌توان تبیین خاستگاه وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی دانست. به عبارت دیگر، اگر وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور در جامعه ایران را همان‌طور که آمارها حکایت می‌کنند، وضعیتی نامطلوب بدانیم؛ بخشی از مسائل را می‌توان در فرآیند تبدیل رویکرد مرجع به سیاست‌گذاری دانست. بنابراین، مطالعاتی از این دست می‌توانند ضمن تعیین محورهای راهبردی رویکردهای مرجع، ناهمخوانی احتمالی این رویکردها با سیاست‌های راهبردی را نشان بدهند. ممکن است مطالعات تکمیلی دیگری بتواند به تبیین دلایل این ناهمخوانی و گسیختگی بپردازد.

مشخصاً ۲۱ محور راهبردی از تحلیل مضمون بیانات رهبران انقلاب اسلامی قابل دریافت است که عبارتند از (۱) کثرت زنان عالمه، (۲) فقاقت زنان، (۳) قضاوت زنان، (۴) شأنیت فرهنگی، (۵) ارتقاء بینشی، (۶) افزایش شناخت و آگاهی در برابر تهاجم غرب، (۷) لزوم وجود قوانین حمایتی، (۸) پیشرفت فرهنگی در بروز استعدادها، (۹) اصلاح نقش زن در خانه و اجتماع با توجه به نگاه دینی، (۱۰) جامع‌نگری دینی به مسئله زنان، (۱۱) طراحی نظام اشتغال زنان بر اساس ساخت‌های زنانه، (۱۲) برنامه‌ریزی در زمینه آموزش زنان متناسب با ساخت زنان، (۱۳) زدودن باورهای غلط غربی، (۱۴) وضع قانون در جلوگیری از ظلم به زن و ایجاد امنیت، (۱۵) متولی‌گری زنان در امور زنان، (۱۶) تبیین تکالیف زن در جامعه اسلامی، (۱۷) وضع قوانین مورد نیاز در ارتباط با تکالیف زنان، (۱۸) طراحی سازمان‌های مورد نیاز در ارتباط با تکالیف زنان، (۱۹) مسئله‌شناسی و ارائه راه حل، (۲۰) تأکید بر ترکیب نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان و (۲۱) تبیین دینی جایگاه زنان در نظام‌های اجتماعی. پوشش سیاست‌گذارانه این حوزه‌های راهبردی حاصل از تحلیل مضمون بیانات، بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه ایران را برطرف می‌کند.

از سوی دیگر، نشان داده شد که مجموع مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در سه حوزه آموزش، اشتغال و مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسخگوی حوزه‌های راهبردی مطالبه شده بر اساس تحلیل مضمون بیانات رهبران جمهوری اسلامی ایران نیست. تنها در حوزه مشارکت اجتماعی و سیاسی می‌توان مصوبه این نهاد را بنیادی و اساسی دانست که البته این مصوبه نیز در مسیر اجرا، به فراموشی سپرده شد و بنابراین می‌توان آن را مصوبه‌ای فاقد شأن و ضمانت اجرایی تلقی کرد.

در خصوص قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نیز، در حوزه آموزش، قوانین مصوب به صورت موردی و ناظر بر یک مسئله‌ی خاص بوده است^{۱۱} و حجم پایین مصوبات در حوزه آموزش زنان در مجلس حاکی از آن است که مجلس نیز مانند نهادهای دیگر، دارای چشم انداز روشنی نسبت به وضعیت اجتماعی زنان نیست. همچنین، اکثر قوانین تصویب شده حوزه اشتغال زنان نشان‌دهنده نگاه حداقلی و تقلیلی به مسئله اشتغال زنان است^{۱۲}. در حوزه مشارکت سیاسی اجتماعی زنان نیز بجز تصویب قانون‌های مرتبط با مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه، قانون مهم و اثرگذار دیگری به تصویب نرسیده است.

همچنین، در تمامی سال‌های پس از انقلاب در نهاد عالی مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوبه و سیاستی در ارتباط با مسئله وضعیت اجتماعی زنان وجود نداشته است. این در حالی است که این نهاد نیز یکی از نهادهای بالادستی نظام و مسئول هدایت سیاست‌گذاری در کشور است.

در مجموع توجه به وضعیت اجتماعی زنان در مصوبات نهادهای سیاستگذار دوگانه فوق‌الذکر فاقد انسجام، سوبه مشخص، نظام‌مندی و همچنین همراستایی با راهبردهای برآمده از رویکرد مرجع در ایران بوده است. به عبارت بهتر، سیاست‌ها و قوانین مصوب، تا کنون نتوانسته‌اند محورهای راهبردی به دست آمده در تحلیل مضمون بیانات رهبران ایران را محقق نمایند. هرگونه تلاش برای تطبیق راهبردهای ۲۱گانه با محورهای به دست آمده در تحلیل مضمون مصوبات دو نهاد، اولاً به دلیل فقدان شفافیت همراستایی مصوبه با بند یا بندهایی از راهبردهای به دست آمده و ثانیاً به دلیل تسلط رویکرد سطحی‌نگرانه در تدوین سیاست‌ها یا قوانین، با توجه به روندهای آماری، شاهد ناکارآمدی مصوبات هستیم. بنابراین، در خصوص همگرایی بین رویکردها و نهادهای سیاستگذار و قانونگذار، ارتباط میان رویکرد مرجع و نهادهای سیاستگذار، غیر همگرا و غیرهمسو است. علت این امر را می‌توان موارد ذیل برشمرد:

۱. وضعیت اجتماعی زنان مفهومی است که برای تحقق یافتن از طریق پیگیری نهادهای متولی در تمامی سطوح سیاستگذاری، قانونگذاری و اجرایی فاقد معنای شفاف و مشخص است و هیچ یک از نهادهای متولی نسبت به ابعاد این مسئله درک صحیحی ندارند.
۲. اساساً مؤلفه‌های آموزش، اشتغال و مشارکت به‌عنوان مؤلفه‌های مهم و اساسی در وضعیت اجتماعی زنان، هم در سطح کلان نهادها و هم در ساختار درونی تک تک نهادها به صورت از هم گسیخته می‌باشد. میان آموزش و اشتغال و مشارکت هیچ ارتباط منطقی و نظام‌مندی وجود ندارد.
۳. عملکرد نهادهای دوگانه سیاستگذاری و قانونگذاری از چشم‌انداز و هدف‌گذاری مشترکی تبعیت نمی‌نماید. هر نهاد بر مبنای قرائت خاص خود از وضعیت اجتماعی زنان اقدام نموده است.
۴. سیر حرکت هر دو نهاد در مجموع در فاصله با رویکرد رهبران انقلاب اسلامی در موضوع زنان قرار دارد. بدیهی است ناکارآمدی مصوبات تنها عامل وضعیت نامطلوب اجتماعی و سیاسی زنان در ایران امروز نیست. علل زمینه‌ای عمده‌ای که تاثیر دوگانه، هم در مقابله با توسعه سیاست‌گذاری مطلوب و هم تاثیر نامطلوب بر وضعیت زنان در جامعه دارد را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

۱. حاکمیت سنت تفکر و مدیریت مردسالار
۲. فقدان آشنایی با مبانی نظری موجود در فقهات رهبران جمهوری اسلامی ایران
۳. شناخت غیراصولی و سطحی‌نگرانه از نظریه انقلاب اسلامی توسط سیاستگذاران
۴. حاکمیت نگاه حداقلی و ابزاری نسبت به زن در لایه‌های قدرت

۵. تأثیر تحولات جهانی و بین‌المللی و ضعف در مدیریت آن هر کدام از این محورهای پنجگانه، می‌تواند به عنوان منشأ تحلیل جدید در حوزه سیاست‌گذاری وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان مورد استفاده قرار گیرد. از سوی به نظر می‌رسد جهت بهبود وضعیت موجود در حوزه‌های سیاستی و تقنینی، توجه به گزاره‌های سیاستی ذیل، توصیه می‌گردد
- ❖ پرهیز از نگاه‌های کلیشه‌ای در عرصه قانون‌گذاری و سیاستگذاری
 - ❖ مشخص ساختن معیار نظری واحدی برای سیاستگذاری و قانون‌گذاری و پرهیز از تشتت آراء و رویکردهای نظری
 - ❖ تلاش در جهت داشتن نگاهی جامع و کامل در حوزه آموزش، اشتغال و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان و تک‌بعدی ندیدن این محورها به واسطه‌ی رجوع به مبانی و رویکرد مرجع
 - ❖ تلاش در جهت ترسیم چشم‌انداز و ارائه‌ی شاخص‌هایی عینی و قابل پیگیری در حوزه وضعیت اجتماعی زنان توسط نهادهای سیاستگذار براساس رویکرد مرجع
 - ❖ توجه به مسائل زنان ذیل مسئله‌ی زن و شناخت هویت زن مسلمان ایرانی

۷. منابع

- اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۶). سیاستگذاری عمومی ایران. تهران: نشر میزان.
- پارسانیا، حمید. (۱۳۸۴). رویکرد انتقادی فلسفه اسلامی به رابطه عقل و جنسیت، مجله حوراء: شماره ۱۴: ۴۵-۲۳.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). زن در آئینه جلال و جمال الهی. قم: نشر اسراء.
- دفتر پژوهش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران. (۱۳۷۴). جایگاه و نقش زن در نظام های مختلف از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری. چاپ اول. تهران: انتشارات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.
- شافریتز، جی. ام. و بریک، ک. پی. (۱۳۹۰). سیاست گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- صادقیان، داوود. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر پیامدهای اشتغال زنان بر روابط درون خانواده. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کولایی، الهه. (دی ۱۳۸۶). زنان: سهمیه‌بندی جنسیتی علیه زنان نقض آشکار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. آیین، شماره ۱۰.
- فوزی تویسرکانی، یحیی. (۱۳۸۵). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۸۰). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- لیاقت دار، محمد جواد؛ نقوی، فتنه؛ یزد خواستی، بهجت. و سمعی، فاطمه. (بهار ۱۳۸۸). تأثیر و نقش نگرش فرهنگی جامعه نهاد خانواده و توسعه ارتباطات در گرایش زنان به آموزش عالی. مجله جامعه‌شناسی کاربردی. شماره ۳۳.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۹). ویژگی های اجتماعی - اقتصادی زنان در ایران ۱۳۶۵-۱۳۷۵، تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۱). زنان سرپرست خانوار در ایران (ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی). تهران: مرکز آمار ایران، مدیریت انتشارات و اطلاع رسانی و صندوق جمعیت ملل متحد.
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. (۱۳۷۴). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- وب سایت خبرگزاری دانشجو. (۱۳۹۱). گفتگوی تفصیلی با طیب زاده. بازبایی شده در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱ برخط در www.snn.ir
- وب سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای. (۱۳۹۵). بازبینی شده در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۹۵ برخط در www.khamenei.ir
- Boyatzis, R.E. (1998). *Transforming Qualitative Information*. Sage: Cleveland.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology* 3 (2): 83-103.
- Chalmers, I. (2003). Trying to do more good than harm in policy and practice: the role of rigorous, transparent and up-to-date evaluations. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science* 589: 22-40.
- Chalmers, I.; Hedges, L. & Cooper, H. (2002). A brief history of research synthesis. *Evaluation & the Health Professions* 25: 12-37.
- Campbell, R.; Pound, P.; Pope, C.; Britten, N.; Pill, R.; Morgan, M. & Donovan, J. (2003). Evaluating meta-ethnography: a synthesis of qualitative research on lay experiences of diabetes and diabetes care. *Social Science & Medicine* 56 (2003) 671-684
- Cooper, H. & Hedges, L. (1994). *The Handbook of Research Synthesis*. New York: Russell Sage Foundation.
- Dixon-Woods, M.; Agarwal, S.; Jones, D.; Young, B. & Sutton, A. (2005). Synthesizing qualitative and quantitative evidence: a review of possible methods. *Journal of Health Services Research and Policy* 10: 45-53.
- Higgins, J. & Green, S. (eds). (2006). *Cochrane Handbook for Systematic Reviews of Interventions* 4.2.6 [updated September 2006].

- Jessop, B. & Sum, N. L. (2001). Pre-disciplinary and post-disciplinary perspectives in political economy. *New Political Economy*. 6: 89 – 101.
- Juni, P.; Altman, D. & Egger, M. (2001). Assessing the quality of controlled clinical trials. *British Medical Journal*. 323:42-46.
- Mulrow, C. (1994). Systematic reviews: rationale for systematic reviews. *British Medical Journal* 309:597-599.
- Oakley, A. (2002). Social science and evidence-based everything: the case of education. *Educational Review* 54: 277-286.
- Petticrew, M. & Roberts, H. (2006). *Systematic Reviews in the Social Sciences: A practical guide*. Oxford: Blackwell Publishing.
- Sandelowski, M. & Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesising Qualitative Research*. New York: Springer.
- Thorne, S.; Jensen, L.; Kearney, MH.; Noblit, G. & Sandelowski, M. (2004). Qualitative Metasynthesis: Reflections on Methodological Orientation and Ideological Agenda. *Qualitative Health Research* 14 (10): 1342-1365.
- White, H. (1994). Scientific communication and literature retrieval. In: Cooper H, Hedges L (eds) *The Handbook of Research Synthesis*. New York: Russell Sage Foundation.

پی‌نوشت‌ها

ⁱسوره نور آیه ۶

ⁱⁱاولین بند از اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاست‌های کلی نظام را از وظایف رهبری اعلام می‌کند.

ⁱⁱⁱمصوبه شرط تأهل در اعزام دانشجویان دختر برای تحصیل به خارج کشور، مصوبه ی خودکفایی زنان در رشته‌های تخصصی زنان، زایمان و ... نشان دهنده درک محدود و موردی از مسئله آموزش زنان می باشد.

^{iv}برای نمونه: قانون مقررات استخدامی نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛ - قانون اصلاح بند ب تبصره ۱ ماده ۲ قانون مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳